

تبیین مدل پارادایمی فردیت یافتگی در ازدواج جوانان

Explain the Paradigmatic Model of Individualism in Youth Marriage

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.18.3.493>

N. Hosseini, Ph.D.

Department of social science, Amin police
University, Tehran, Iran

✉ دکتر ناهید حسینی

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم انتظامی امین

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۱/۶/۲۷

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲

Abstract

Marriage patterns vary in accordance with social, economic and cultural conditions of any society. This study was conducted to investigate the pattern of youth marriage in Tehran. This research analyzed the pattern of youth marriage in Tehran with a qualitative method of grounded theory. 28 participants were selected by targeted sampling and the data were collected by semi-structured interviews. The views of the participant on marriage and factors such as, family role, relatives, ceremonies and traditions, premarital acquaintance, appropriate age, method of choosing a spouse and their strategy were

چکیده

الگوهای ازدواج در هر جامعه متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متغیر است. این پژوهش با هدف واکاوی الگوی ازدواج جوانان در شهر تهران انجام شده است. روش تحقیق، کیفی، از نوع نظریه بنیانی است. تعداد ۲۸ مشارکت کننده با نمونه گیری هدفمند انتخاب و داده ها با مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شده است. دیدگاه درباره ازدواج و عوامل، نقش خانواده، خویشاوندان، مراسم و سنت ها، آشنایی قبل از ازدواج، سن مناسب، شیوه همسرگزینی و راهبرد آنان محور سؤالات بود. پس از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی داده های متنی، به ترتیب ۱۳۸ مفهوم، ۲۸ زیرمقوله و ۱۳ مقوله و درون مایه اصلی «فردیت یافتگی» به دست آمد.

✉Corresponding author: Department of Social Science, Amin Police University, Tehran, Iran.
Email: N.hosseini1001@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین، گروه علوم اجتماعی.

پست الکترونیکی: N.hosseini1001@yahoo.com

the focus of the questions. After three stages of open, central and selective coding of textual data, 138 concepts were obtained 28 sub-categories and 13 categories and the main theme is "individualization". Late marriage, matchmaking between the individual and the arbitrator's family, reductionist traditionalism especially in boys, desire for friendship with the opposite sex, sexual facilitation, tendency to informal marriage sometimes (temporary marriage, cohabitation) are seen as strategies. welfare and living facilities, attitude, value and action relations between the two sexes are the main elements of the formation of this model. Reproduction of Iranian culture in the promotion of easy marriage, education and skills training, and economic support are suggested as solutions.

Keywords: Marriage, Individuality, Individualization, Youth, Pattern.

دیرهنگامی ازدواج، همتایابی فردمدار و خانواده‌داور، سنت‌پذیری تقلیل‌گرا و به‌ویژه در پسران، تمایل به دوستی با جنس مخالف، آسان‌گیری جنسی، بعضاً گرایش به ازدواج غیررسمی (عقد موقت، هم‌خانگی) به‌عنوان راهبرد مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: امکانات اقتصادی و معیشتی، مناسبات نگرشی، ارزشی و کنشی میان دو جنس، از عناصر اصلی شکل‌گیری این الگوست. بازتولید فرهنگ ایرانی در ترویج ازدواج آسان، تربیت و مهارت‌آموزی و حمایت‌های اقتصادی به‌عنوان راهکار پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، فردیت، فردیت یافتگی، جوانان، الگو

مقدمه

ازدواج پدیده‌ای فردی، اجتماعی و فرهنگی و پاسخی طبیعی به ندای فطرت برای رفع نیازهای اولیه و اساسی زیستی، جسمی، عاطفی و روانی انسان است. از سوی دیگر، ازدواج تنها راه برای بقای نسل انسان و مورد تأکید ادیان الهی و سنت اجتماعی است. با صنعتی‌شدن و زندگی شهرنشینی، به‌ویژه در دهه ۱۹۶۰ و بروز تفکرات فمینیستی و انقلاب جنسی، تحول چشمگیری در اشکال و الگوهای ازدواج پدیدار شد. ابعاد نوظهور آن امروزه در اروپا و آمریکا مشهود است و امواج این تحولات در عصر ارتباطات، سایر کشورها را نیز متأثر ساخته است. در بررسی پدیده ازدواج، عناصر و عوامل متعددی دخیل هستند که هریک به سهم خود مهم و جدی است؛ از جمله: میزان ازدواج، سن ازدواج، شیوه همسرگزینی، مراسم و آداب و رسوم، فرزندآوری، خانواده و خویشاوندان و بسیاری موارد دیگر. در ایران، طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، سن ازدواج مردان در شهر ۲۷/۸، در روستا ۲۶/۵ و سن زنان در شهر ۲۳/۴ و در روستا ۲۲ سال بود. مقایسه میانگین سن در اولین ازدواج مردان، در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، حکایت از افزایش شاخص برای مردان در تمام استان‌ها، به‌جز سیستان و بلوچستان، دارد. در مقابل، این رقم برای زنان در اکثر استان‌ها به‌جز تهران، کاهش داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بر کسی پوشیده نیست که امروزه جوانان، برای ازدواج، با چالش‌های اساسی

از جمله وضع اقتصادی روبه‌رو هستند، اما بسیاری از افراد، با وجود شرایط مالی مناسب، حتی در روستاها، از ازدواج به‌هنگام سر باز می‌زنند. بنابراین شاهد کاهش تعداد و افزایش سن ازدواج هستیم. ازدواج به‌عنوان امری چندساحتی، علاوه بر ابعاد اقتصادی، وجوه اجتماعی و فرهنگی و مهم‌تر از آن روانی و ذهنی را نیز در بر می‌گیرد. ازدواج ریشه در ذهنیت‌ها و تفسیر افراد از شرایط و واقعیت‌های پیرامونی دارد. توجه به امر ازدواج، به‌عنوان یکی از ارکان مهم و هستی‌بخش خانواده در زایش و رویش خانواده، امری مهم و حیاتی است. با افزایش سن ازدواج و گرایش به تجرد در سال‌های متممادی، به‌طور طبیعی شاهد کاهش جمعیت و فرزندآوری و در عوض، افزایش جمعیت میان‌سال و کهن‌سال و مشکلات آن خواهیم بود. از سوی دیگر، با وجود ارتباطات جهانی و تغییرات سبک زندگی و گسترش آن، چه بسا با خانواده‌های نوپدید و متعارض با ارزش‌های هویتی جامعه مواجه باشیم. شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه بر فهم جوانان اثر دارد و الگوی ذهنی آنان را درباره ازدواج متحول و از الگوهای سنتی متمایز می‌سازد؛ بنابراین با توجه به اهمیت حفظ و بقای ارکان نهاد خانواده، به‌منظور سلامت اجتماعی، لازم است به ازدواج نگاهی دقیق‌تر داشت و با اتکالی علمی و تجربی از وضع موجود، بتوان روند تحولی خانواده را مدیریت کرد.

این تحقیق بر اساس نظریه داده‌بنیاد دنبال اهداف زیر می‌باشد: ۱. واکاوی و تفسیر الگوی ذهنی و کنشی جوانان از ازدواج و تحلیل آن در ابعاد مختلف اعم از رویکرد، عوامل اثرگذار، سن مطلوب ازدواج، روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، شیوه همسرگزینی، نقش خانواده، نقش و جایگاه مراسم و سنت‌های رایج ازدواج؛ ۲. تبیین نوع نگرش، عوامل، عناصر، زمینه‌های بروز و شرایط مداخله‌گر در شکل‌گیری الگوی ازدواج در شرایط فعلی؛ ۳. ترسیم مدل پارادایمی الگوی ازدواج.

ازدواج در شریعت اسلام، قراردادی مشروع بین دو نفر غیر هم‌جنس و معمولاً بالغ است که برقراری ارتباط دائم یا موقت میان آنان را مجاز می‌گرداند (بستان، ۱۳۸۹). ساروخانی ازدواج را امکان استقرار روابط بین زن و مرد و موجب تمامیت پدیده زوجیت دانسته است (ساروخانی، ۱۳۷۰). الگوهای ازدواج به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در سراسر دنیا متفاوت از یکدیگر است؛ چندهمسری،^۳ تک‌همسری،^۴ ازدواج ترتیب‌داده‌شده،^۵ ازدواج درون‌گروه،^۶ ازدواج برون‌گروه (لیز استیل، ۱۳۸۸) و امروزه روابط مرد و زن بدون ثبت ازدواج، تحت عنوان همباشی^۸ در جوامع غربی، از دیگر صورت‌های ازدواج است. پیتز برگر^۹ (۱۹۶۳) عرصه خصوصی ازدواج و خانواده را بعد مهم و اساسی واقعیت اجتماعی و مکانیسم کنترل اجتماعی می‌داند. اولریخ بک و الیزابت^{۱۰} هم معتقدند خانواده‌های چندگانه، مبتنی بر ازدواج‌های مجدد، طلاق مجدد، خانواده‌های بدیل، خانواده مشتمل بر کودکان جایگزین جدید در جوامع مرفه غربی است (بک، گریشنهام،^{۱۱} ۱۹۹۵). نظریه‌پردازانی همانند ادواردشوتز،^{۱۲} پیدایش خانواده مدرن در اروپا را از قرن هجدهم می‌داند. تالکوت پارسونز^{۱۳} تنوع خانواده به شکل مدرن در آمریکا را به سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ نسبت می‌دهد. در رویکردهای نظام اجتماعی،^{۱۴} رویکرد ساختار اجتماعی،^{۱۵} به همراه سیرایت میلز^{۱۶} (۱۹۵۵) و برخی راست‌های نو مثل چارلز موری^{۱۷} (۱۹۹۰) خانواده را واحد بنیانی اجتماع و جهان‌شمول و دارای کارکرد می‌دانند (بهنام، ۱۳۹۲). همچنین در سال‌های اخیر، رویکرد کنش اجتماعی،^{۱۸} اندیشه‌های پسامدرن و پسا‌ساختارگرایی میشل فوکو^{۱۹} و آنتونی گیدنز^{۲۰} را می‌توان اشاره کرد.

اندیشه تضاد در آرای هگل،^{۲۱} مارکس،^{۲۲} وبر،^{۲۳} دارندروف،^{۲۴} کالینز^{۲۵} به تقابل و واگرایی خانواده پرداخته و برای تعارضات و خشونت‌های خانواده، عواملی چون حق مالکیت جنسی، فشارهای اقتصادی، تقابل بین نسلی، تعارض و کنترل اجتماعی را تعیین‌کننده می‌دانند (حاجیان،^{۲۶} ۱۳۹۲). فمینیست‌ها همانند مارکسیست‌ها، با رویکردی تضادگرایانه، با تأکید بر مقوله جنسیت، همواره تضاد میان دو جنس را مطرح می‌کنند؛ خانواده را در جهت منافع پدرسالاری محل اصلی ستم بر زنان می‌دانند (لیز استیل، ۱۳۸۸). نظریه اقتصادی کلاسیک، با تکیه بر انتخاب منطقی، فرایندهای خانوادگی و تصمیم‌گیری فرد را درباره اینکه کی، چگونه و با چه کسی ازدواج کند، بچه داشته باشد و ازدواجش ثابت باشد و... مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (لیز استیل، ۱۳۸۸). ویلیام گود^{۲۷} (۱۹۶۳) با طرح ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده و تأثیرات فرایند نوسازی، بر این باور است که فرایند تغییر در سطوح فردی و اجتماعی رخ داده است. روث دیکسون^{۲۸} (۱۹۷۱) نیز در الگوهای ازدواج، ضمن توجه به تغییرات ساختاری، سه متغیر اصلی را در این امر بسیار جدی می‌داند: دسترسی (به همسر آینده)، امکان (با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی) و تمایل (انگیزه و مطلوبیت ازدواج میان افراد). در ابعاد روان‌شناختی، استرنبرگ^{۲۹} مثلث عشقی را مطرح می‌کند و عشق میان زوجین را در سه مؤلفه مهم صمیمیت، اشتیاق و تعهد می‌داند. یافته‌های فیشر^{۳۰} نیز بین عشق و رضایت زناشویی، رابطه مثبت معناداری نشان داد (ضیغمیان، کاکا برای، نیکو و رضوانی،^{۳۱} ۱۳۹۴). برخلاف فروید^{۳۲} که عشق را لیبدو و غریزه جنسی تعبیر می‌کند، اریک فروم^{۳۳} عشق را نیاز انسان و دوری از تنهایی می‌داند (فروم، ۱۳۹۹). گیدنز^{۳۴} از آن به رابطه ناب یاد می‌کند. به باور وستوف^{۳۵} (۱۹۷۸)، تحولات نهاد ازدواج و خانواده ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی است که موجب کاهش اقتدار سنتی و مذهبی شده و تغییراتی همانند فردگرایی و رشد عقلانیت، فرهنگ مصرف‌گرایی، تساوای‌خواهی جنسیتی را به دنبال داشته است (ویکس،^{۳۶} ۲۰۰۲). نظریات متعددی در حوزه فرهنگی، بر تغییر نظام معنایی، افزایش فردگرایی سکولار (لستهاق،^{۳۷} ۱۹۸۳)، سرعت تغییرات نظام ارزشی جوامع آسیایی (باربارا منچ^{۳۸} و همکارانش، ۲۰۰۵)، نوآوری رفتاری و تغییر ایده‌ها (کاسترین،^{۳۹} ۲۰۰۱) و آرمان‌گرایی توسعه (تورنتون^{۴۰} و همکاران، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴) دلالت می‌کند (جنادله،^{۴۱} ۱۳۸۸).

تحقیقات زیادی به دلیل اهمیت موضوع ازدواج انجام شده است. خلجی‌نیا، عباسی و خاکی^{۴۲} (۱۳۹۷) در واکاوی تجربه زیسته ازدواج‌های دانشجویی، بر اساس درون‌مایه‌های به‌دست‌آمده، شامل تعامل، ثبات، حمایت و چالش‌های پیش رو، به این نتیجه رسیدند که ازدواج‌های دانشجویی درون‌مایه اصلی خودشکوفایی در بستری از چالش‌ها را در پی دارد. غلامی قاراب^{۴۳} (۱۳۹۵) در بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر سامان‌دهی ازدواج جوانان (دانشجویان)، اقتصاد و نگرش دوستان بیشترین ضریب تأثیر را نسبت به سایر مؤلفه‌ها، اعم از دین و مذهب، آداب و رسوم، سنت‌ها، اعتقادات و باورها، نگرش خانواده و تحصیلات بر ازدواج جوانان داشته است. ضرابی و مصطفوی^{۴۴} (۱۳۹۳) در بررسی الگوی ازدواج در ایران، سن ازدواج را مبنا قرار داده و تحصیلات بالاتر، زندگی در شهر، طبقه اقتصادی بالاتر، تأثیر افزایشی بر سن ازدواج داشته است. ملکی، ربیعی، شکرپیگی و بالاخانی^{۴۵} (۱۳۹۴) با بررسی جامع‌تری، موضوع فردی‌شدن خانواده در ایران را با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی بررسی کرده و با روش روندپژوهی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳ تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده ایرانی را مبتنی بر فردی‌شدن نشان داده‌اند. مؤیدی^{۴۶}

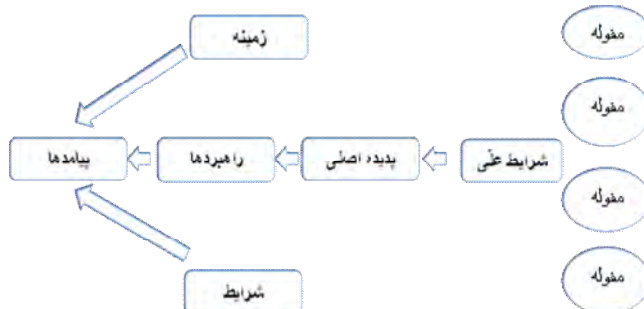
(۱۳۹۲) در پیمایشی، عوامل افزایش سن ازدواج دختران مجرد ۳۰ تا ۳۵ ساله منطقه دو تهران را به ترتیب عوامل اجتماعی، فردی، فرهنگی رتبه‌بندی کرده است. راستانی^{۴۷} (۱۳۹۱)، در مقایسه تطبیقی سن ازدواج بین دو نسل زنان دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شهر تهران، نشان داد میانگین سن ازدواج از ۲۱/۶۳ به ۲۶/۲۹ سال تغییر کرده و پایگاه اجتماعی، همشهری‌بودن، فعالیت اجتماعی و آزادی در انتخاب همسر مهم‌ترین معیار همسرگزینی برای نسل اول و معیار اقتصادی در نسل دوم بوده است. مشیدی^{۴۸} (۱۳۹۰) با هدف بررسی تغییرات شیوه‌های همسرگزینی میان دو نسل فرزندان و والدین در شهر اراک، نتیجه گرفت که در شیوه‌های همسرگزینی تحولاتی رخ داده است؛ از جمله: جایگزینی عشق آزاد به‌جای خانواده، ایجاد ابهام در الگوی ازدواج، جایگزینی منافع فردی به‌جای منافع خانواده، ایجاد خانواده‌های جدید و بی‌ثبات به‌جای خانواده هدفمند و پایدار، جایگزینی ارزش‌های جدید همانند کاهش قبح طلاق.

در تقسیم الگوی خانواده به مدرن مدنی و ایرانی اسلامی، قواعد همسرگزینی و ازدواج نیز تغییر می‌یابد. در خانواده مدرن، همسرگزینی بر اساس انتخاب فرد، اصالت علاقه‌های عاطفی، مشورت و تفاهم و سن ازدواج دل‌خواهی است؛ در عوض در شکل ایرانی اسلامی، همسریابی به‌صورت مشورتی، در سن پایین‌تر، همسان‌همسری، درون‌همسری و با فرایندی آسان بوده و عاملی برای همبستگی اجتماعی است (صادقی^{۴۹}، ۱۳۹۵: ۱۳ و ۱۴). آزادارمکی و همکاران^{۵۰} (۱۳۸۲)، عنایت و موحد^{۵۱} (۱۳۸۳)، امیرعزیدی^{۵۲} (۱۳۸۸)، آشوری و وروایی^{۵۳} (۱۳۸۹)، صوری^{۵۴} (۱۳۹۰) و دهقان^{۵۵} (۱۳۹۰) نیز در تحقیقات خود نشان داده‌اند که در خانواده‌ها، به‌ویژه خانواده‌های تهرانی، تغییراتی اعم از نگرش در افراد خانواده نسبت به ازدواج، روابط دختر و پسر، افزایش سن ازدواج و کاهش باروری، اشکال جدید و متنوع از روابط خانوادگی ایجاد شده است و الگوها کاملاً منطبق با شرایط سنتی خانواده در قبل نیست. در مطالعات نیک‌پرور و همکارانش^{۵۶} (۱۳۹۰)، آچاک^{۵۷} (۱۳۹۴) و محمدی^{۵۸} (۱۳۹۴)، با روش نظریه بنیادی، به جایگزینی نسبی ارزش‌ها و تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل اشاره شده است. نظام‌های هسته‌ای، درون‌همسری، برون‌همسری، پدرسالاری، مادرسالاری فرانسویس نیم‌کف^{۵۹} (۱۹۶۵)، انواع خانواده‌های نوظهور شامل هم‌خانگی‌ها و خانواده‌های موقت دیوید چیل^{۶۰} (۱۳۸۸)، خانواده هسته‌ای در مقابل خانواده گسترده گرنشهایم^{۶۱} (۱۳۸۸) را می‌توان در زمره تحقیقاتی دانست که در زمینه ارائه الگو انجام شده است. در پاکستان نیز الگوی ازدواج دختران با تغییر در پارادایم آموزشی مواجه و سن ازدواج دختران از ۱۶ به ۲۳ سالگی افزایش یافته. بر اساس همین گزارش، ازدواج مجدد نیز برای دختران با احتمال بیشتری همراه است (عامر، آزادی، حیدرزاده،^{۶۲} ۲۰۱۶). در چین میانگین سنی دختران به ۲۲ و پسران به ۲۵ سال رسیده و برون‌همسری تا ۶۲ درصد افزایش داشته است (چنگ یان، هان اکسیو، جان کی داحسویک،^{۶۳} ۲۰۱۱). به همین نسبت در آسیای جنوب شرقی و کشورهای هم‌چون اندونزی، فیلیپین و سنگاپور، به ازدواج برای داشتن خانواده جدید و فرزندپروری توجه می‌شود. در ایالات متحده آمریکا، تعداد زوج‌های هم‌خانه در سال ۲۰۱۲ به ۷/۸ میلیون نفر و در سال ۲۰۱۰ در انگلستان به ۲/۹ میلیون نفر رسیده است؛ هرچند هم‌خانگی در آمریکا سخت‌تر دانسته شده است (پاملاجی اسموک مانن، کروچر،^{۶۴} ۲۰۱۵). در مالزی، هرچند روند هم‌زیستی بدون ازدواج رو به افزایش است (نوری بین تی،^{۶۵} ۲۰۱۶)، دین و مذهب در نگرش به ازدواج و رضایتمندی از آن را دارای تأثیر مثبت دانسته‌اند (هندرسون کینگ و روف،^{۶۶} ۲۰۱۴). طلاق والدین و اختلافات خانوادگی و شدت و مدت آن بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج تأثیر دارد

(کریستین، ۲۰۱۴^{۶۷}). همچنین میزان صمیمیت، دموکراسی در خانواده، شیوه فرزندپروری بر نوع نگرش فرزندان به ازدواج نقش دارد (گارسیا جوانا، ۲۰۱۶^{۶۸}).

روش

در پژوهش کیفی، دنیای ذهنی و معنایی کنشگران بنیان اصلی تبیین و تفسیر موضوع است. این شیوه مبتنی بر برساخت‌های کنشگران و سطح خرد واقعیت (استدلال استقرایی)، ساخت الگوی نظری عام (استدلال قیاسی) و درک موضع امیک^{۶۹} کنشگران اجتماعی (استدلال استفهامی) است (محمدپور، ۱۳۹۲^{۷۰}). در این تحقیق، محقق با داده‌های میدان و فرایند پیوسته تحلیل مقایسه‌ای (میرزایی، ۱۳۹۵^{۷۱}) به درک و تحلیل روشمند و منظم تجربه‌ها، دیدگاه‌ها و نظر افراد مورد مطالعه برای دستیابی به الگوی کنشی آنان پرداخته است (ازکیا، ایمانی، ۱۳۹۰^{۷۲}). مشارکت‌کنندگان از میان جوانان مجرد در سن ازدواج انتخاب شدند. در این انتخاب سعی شد حداکثر تنوع در سن، شغل، امکانات مالی و اقتصادی، منطقه سکونت و میزان برخورداری در میان دو جنس دختر و پسر در نظر گرفته شود. موقعیت‌های دسترسی عمدتاً در زمان‌هایی بود که امکان و تمایل به مصاحبه حضوری وجود داشت و با هماهنگی قبلی یا پیشنهاد هم‌زمان به فرد انجام می‌شد. بر همین اساس، تعداد ۲۸ نفر افراد مجرد متولد دو دهه ۶۰ و ۷۰، با حداکثر تنوع، از مناطق مختلف شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز شهر تهران، از مناطق ۱، ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۱، ۲۲، در موقعیت‌های کاری، فراغتی و خانوادگی به‌صورت هدفمند تا حد اشباع داده‌ها انتخاب شدند. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سؤالات محوری شامل دیدگاه، عوامل، نقش خانواده و خویشاوندان، مراسم و سنت‌ها، آشنایی و رابطه قبل از ازدواج، سن مناسب ازدواج، شیوه همسرگزینی مناسب و راهبرد آنان پیرامون ازدواج صورت گرفت. مصاحبه‌ها با رعایت تعهدات اخلاقی، از جمله تمایل به مصاحبه و عدم درج هرگونه نام و نشانی از فرد ضبط شد. پس از مکتوب‌سازی، در سه مرحله کدگذاری باز،^{۷۳} محوری^{۷۴} و انتخابی^{۷۵} و تلفیق داده‌ها، تعداد ۱۳۸ مفهوم، ۲۸ زیرمقوله و ۱۳ مقوله به دست آمد. برای فهم و ارتباط منطقی میان داده‌ها از اشکال و نمودارها نیز استفاده شد. اعتبارسنجی داده‌ها با استفاده از توافق کدگذاران و دو نفر از اساتید حوزه خانواده مورد دقت قرار گرفت. تعیین مقوله مرکزی نمایانگر مضمون اصلی پژوهش و یک مفهوم انتزاعی است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴^{۷۶}). مدل پارادایمی^{۷۷} یا مدل نظری آخرین مرحله از ارتباط مقولات فرعی به مقوله‌های اصلی تحقیق است (خاکی، ۱۳۹۵^{۷۸}). مؤلفه‌های آن عبارت از شرایط و علل، عمل و تعامل‌ها، پیامدها می‌باشد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۴).



نمودار ۱: ارتباط مقوله‌ها با پدیده در کدگذاری محوری (برگرفته از ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۶)

بیان یافته‌ها

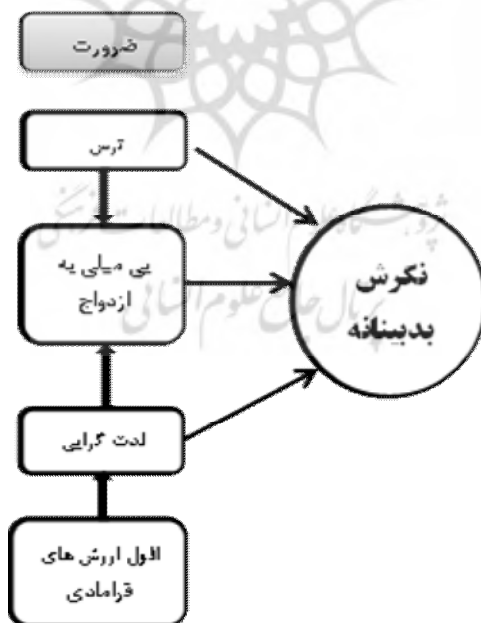
یافته‌های تحقیق در دو بعد توصیفی و تحلیلی قابل تبیین است.

یافته‌های توصیفی

مشارکت‌کنندگان شامل ۱۰ دختر (۳۶٪)، ۱۸ پسر (۶۴٪) که ۸ نفر (۲۸٪) در سن ۱۸ و ۱۹ سال، ۹ نفر (۳۲٪) در سن ۲۰ تا ۲۴ سال و ۷ نفر (۲۵٪)، یعنی یک‌چهارم در سن ۲۵ تا ۲۹ سال، ۴ نفر (۱۴٪) در سن ۳۰ سال و بیشتر و با میانگین سنی ۲۳/۷۱ سال بودند. میزان تحصیلات آنان، ۷ نفر (۲۵٪) دیپلم، ۴ نفر (۱۴٪) کاردانی، ۱۰ نفر (حدود ۳۶٪) کارشناسی یا دانشجوی کارشناسی و ۷ نفر (۲۵٪) نیز کارشناسی‌ارشد یا دانشجوی این مقطع بوده‌اند. ۱۱ نفر دارای مشاغل فروشنده‌گی، حسابرسی، شغل آزاد و مابقی فاقد شغل و درآمد بودند. بر همین اساس، ۱۰ نفر (۳۶٪) دانشجو، ۶ نفر (۲۱٪) بیکار و یک نفر هم سرباز بود.

رویکرد به ازدواج

در بررسی رویکرد مشارکت‌کنندگان به ازدواج، مهم‌ترین دیدگاه بی‌میلی و ترس از ازدواج است. به‌جز معدودی از افراد که به‌ضرورت ازدواج کرده بودند، اکثراً به‌دلیل بی‌اعتمادی حاکم بر روابط میان دختر و پسر، لذت‌گرایی به‌جای عشق، افول ارزش‌های فرامادی همانند تعهد، وفاداری، محبت، گذشت و فداکاری و مهم‌تر از آن ترس حاکم از شرایط و وضع موجود و تجربیات تلخ دیگران، نگرشی بدبینانه نسبت به ازدواج دارند.



سن ازدواج

در سؤال مبنی بر سن مناسب ازدواج، ۷۵ درصد سن بیشتر از ۲۵ سال را برای دختران مناسب دانسته و برای پسران این رقم به ۸۹ درصد می‌رسد. بهترین سن ازدواج برای دختران ۲۰ تا ۳۵ و برای پسران ۲۳ تا ۳۵ سال پیشنهاد شده است.

بخش مهمی از پیشنهاد دیرهنگامی ازدواج، به دلیل امور اقتصادی گرانی، مسکن و چشم‌وهم‌چشمی است. همچنین دلایلی مثل تحصیلات دانشگاهی، بلوغ فکری، ثبات اخلاقی، ایجاد امکانات لازم، توان و مسئولیت‌پذیری مرد، دید باز و انتخاب مناسب، زمان برای شناخت طرفین را مطرح می‌کنند.

عوامل مؤثر بر عدم تمایل به ازدواج

در بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج جوانان، ۳۱ مفهوم به دست آمد. مقوله‌های محوری زیر از آن ۳۱ مفهوم عبارت است از: ۱. اقتصاد نایمن مرد؛ ۲. هزینه‌ها؛ ۳. جایگاه و استقلال مالی زنان؛ ۴. توانمندی؛ ۵. مناسبات ارزشی؛ ۶. مناسبات اجتماعی؛ ۷. مناسبات ارتباطی. یکی از دلایل اصلی عدم رویارویی با ازدواج، شرایط نامساعد اقتصادی و هزینه‌های زندگی است. از سویی زنان نیز دارای جایگاه و استقلال مالی هستند و در تنگناهای زندگی مشترک به دلیل پشتوانه مالی، احتمال جدایی و طلاق افزایش یافته است. دختران و پسران در مناسبات اجتماعی و ارتباطی که به‌ویژه با ورود وسایل و ابزار ارتباطی، دارای روابط سهل‌تر و دور از چشم والدین هستند، روابطی که در بسیاری از موارد دوام چندانی ندارد و بیشتر یک فرصت‌سوزی برای دختران و لذت‌طلبی برای پسران محسوب می‌شود؛ امری که مناسبات نوپدید در فرهنگ جامعه محسوب می‌شود و فضای لذت‌خواهی، تنوع‌طلبی و ناامنی و کم‌تعهدی را رواج داده است.

جدول ۴: پنج عامل مؤثر بر گرایش دیرهنگام به ازدواج

مفاهیم	مقوله‌ها	قضایا
شغل، پول و درآمد، ضعف درآمد خانواده و ناتوانی در حمایت مالی از فرزند، ترس از آینده مالی	اقتصاد نایمن مرد	الگوی معیشتی
تأمین مسکن، گرانی، مخارج و هزینه‌ها، تجملات و چشم‌وهم‌چشمی، توان ایجاد آسایش برای همسر، توان مدیریت زندگی، امکانات زندگی	توان مدیریت هزینه‌ها	
جایگاه زنان، درآمد زنان	استقلال مالی زنان	
اخلاق، دروغ، نوجویی و تنوع‌خواهی، خیانت، بی‌اعتمادی، عدم جذابیت جنس مخالف، خوش‌گذرانی (راحت‌طلبی)، بی‌تعهدی، اصالت خانوادگی	ارزش‌های اخلاقی	مناسبات ارزشی نوپدید
شرایط متفاوت فرهنگی در کلان‌شهر، دانشجویی و تحصیلات دانشگاهی، اهداف، سربازی، طلاق، تجربه ازدواج دیگران، فراغت زیاد جوانان	وضعیت اجتماعی	مناسبات اجتماعی - ارتباطی
دسترسی راحت به جنس مخالف، گریز از محدودیت	وضعیت ارتباطی	

روش همتایابی: به‌طور کلی سه دیدگاه در میان جوانان وجود دارد؛ بیشترین گرایش به دیدگاه نیمه‌مدرن است؛ یعنی انتخاب از سوی فرد و مشورت با خانواده. بنابراین به این دیدگاه بیشتر می‌پردازیم.



نمودار ۴: دیدگاه مشارکت‌کنندگان نسبت به همتایابی و انتخاب همسر

دیدگاه نیمه‌مدرن

اکثر پاسخ‌گویان با انتخاب روش نیمه‌مدرن در انتخاب همسر، ابتدا فرد و سپس خانواده را محور انتخاب می‌دانند. فرد پس از انتخاب اولیه، با خانواده مشورت می‌کند. به دلایلی، همانند عدم تعصب و سخت‌گیری، انتقال تجربیات، خیرخواهی، رهبری و هدایت، همسان‌معیاری، استدلال منطقی، اهمیت رضایت خانواده، زودباوری جوانان اشاره می‌کنند:

«ترجیح می‌دم خودم انتخاب کنم. خانواده اگر راضی نباشد، تا جایی که بتونم قانعشون می‌کنم. ولی چون آدمای متعصبی نیستند، ازشون می‌پذیرم» (پ دختر ۱۹ ساله، منطقه ۱).

تجربه و خیرخواهی والدین برای جوانان مهم است:

«نظر پدر و مادر فوق‌العاده مهم است. با دلیل نظر می‌دن و تجربه دارند...» (ف پسر ۲۷ ساله، منطقه ۱۴).

«من خودم صادقم. انتخاب برام سخته. مشکلی که دارم این که زود باور می‌کنم» (س دختر ۱۹ ساله، منطقه ۱۴).

بنابراین جوان‌ها ترجیح می‌دهند در کنار انتخاب آن‌ها، خانواده هم حتماً حضور داشته باشد تا از انتخاب‌های عجولانه آن‌ها جلوگیری شود.

در این شیوه، نقش خویشاوندان تا حد زیادی کم‌رنگ می‌شود و بستگان درجه‌یک بیشترین تأثیر و مابقی بیشتر در پی مناسک‌گرایی و رسمیت‌بخشیدن به مراسم نقش دارند.

«تا حالا بهش فکر نکردم چون انقدر مقوله بزرگی است... طرز فکرم در مورد ازدواج اینه که دو تا آدم بدبخت بشن. چون هرکسی رو می‌بینم همینه» (ع پسر ۲۴ساله، منطقه ۸).

به همین نسبت، تجربیات افراد نزدیک نیز برای آنان این ذهنیت را ایجاد کرده است: «چون اطرافیانم را می‌بینم که چقدر براشون سخته. برادرم وقتی با هم دوست بودن، خیلی خوب بود؛ ولی وارد زندگی که می‌شی خیلی سخته» (دختر ۱۹ساله، منطقه ۱).

اما برخی مشارکت‌کنندگان با وجود توان مالی، شغلی و شرایط مساعد، در اقدام به ازدواج تردید دارند. بسیاری به دلیل داشتن اهداف کوتاه و بلندمدت فردی، ازدواج را مانع بزرگی برای ادامه تحصیل، شغل و فعالیت اقتصادی و شرایط بهتر زندگی می‌دانند. ازدواج درگیرشدن با شرایط وخیم و سخت زندگی است و با انجام آن از بسیاری اهداف و پیشرفت‌های فردی دور خواهند ماند و تجارب دوستان و آشنایان خود را شاهدهی بر این مدعا می‌دانند.

«بیشتر انگیزه‌س. ازدواج به نیازه، ولی من خودم هدفای بالاتر و مقدم‌تری دارم... مثل علمی و درسی و...» (پ منطقه ۱۲، ۲۱ تا ۲۷ ساله).

در وضعیت کنونی، همان اندازه که امکانات اقتصادی مانع سختی برای ازدواج است، مناسبات اجتماعی و ارتباطی جدید، به‌ویژه با جنس مخالف، سهولت در روابط و دستیابی به لذت‌های آنی بسیار راحت‌تر از قبل اتفاق می‌افتد. دوستی‌ها و مراودات میان دو جنس، جایگزین موقت برای همسرگزینی شده و بسیاری وقت‌گذرانی با یکدیگر و کامیابی‌های موقت را بر مسئولیت‌پذیری و سختی‌ها و مشقات زندگی مشترک ترجیح می‌دهند. مناسبات ارزشی نوپدید (لذت‌گرایی، تنوع‌خواهی، منفعت‌جویی، راحت‌طلبی)، فرهنگ گفت‌وگو و معاشرت جوانان در همتایابی، طلاق و تجربیات تلخ دیگران، وسایل ارتباطی مجازی، چشم و هم‌چشمی را به‌عنوان شرایط مداخله‌گر می‌توان اشاره کرد.

«اصلاً به ازدواج فکر نمی‌کنم، چون قصدش رو ندارم. ازدواج اطرافیانم رو می‌بینم که ناموفق» (ز دختر ۱۸ساله، منطقه ۱۴).

آنان از بی‌تعهدی و بی‌وفایی، تنوع‌خواهی، عدم صداقت و خیانت در هراسند و اتفاقات و تجربیات سایرین را دال بر این ترس می‌دانند.

«وقتی کسی ازدواج می‌کنه، تعهدی داره ولی الآن مد شده که اصلاً تنوع می‌خوان و نمی‌تونن با یک نفر بمونن» (س دختر ۳۲ساله، منطقه ۱۰).

برساخت کنشگران برحسب جنس، سن و خانواده متأثر از شرایط زمینه‌ای است. جایگاه و موقعیت اجتماعی زنان با افزایش تحصیلات، رشد آگاهی و دانش، نسبت به گذشته تغییر و با اشتغال، استقلال مالی و انتظاراتشان از زندگی افزایش یافته است. دختران زندگی راحت خانۀ پدری را بر سختی احتمالی ازدواج ترجیح داده و با تعداد کمتر فرزندان، تعجیلی برای ازدواج ندارند. والدین بسیاری از مهارت‌های زندگی را به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند و کمترین مسئولیتی به آنان واگذار نکرده‌اند.

«خانواده متوسط رو به بالاست. همه شرایط رو می‌خوام. کار، خونه... اگر ندارن، حمایت خانواده لاقفل باشه» (زینب ۱۸ساله).

شرایط اقتصادی و مالی نامساعد پسران امکان ازدواج آنان را کاهش داده و دختران را با تقاضای کمتر ازدواج مواجه می‌سازد.

«پسر در این شرایط مالی بیشتر مشکل داره... با این وضعیت، حداقل ۳۰ سالگی بتونیم ازدواج کنیم» (س پسر ۲۱ ساله، منطقه ۱۷).

این موضوع بر دوستی‌ها و آسان‌گیری دختران و کاهش تعهد میان طرفین تأثیر داشته و با ادامه این چرخه، بی‌تعهدی، بی‌اعتمادی و عدم صمیمیت میان دوستی‌ها و چه بسا در زندگی مشترک، منجر به ناپایداری ازدواج می‌شود.

«الآن تو خیابون انقدر دختر هست که از زن خودت هم خسته می‌شی... الان برای نیازها نیازی نیست که ازدواج کنی. فراونه» (پسر ۲۴ ساله، منطقه ۱۴).

راهبردهای جوانان در «فردیت‌یافتگی» ازدواج

از جمله راهبردهای جوانان در شرایط فعلی، بی‌میلی و کناره‌گیری موقت از ازدواج، انتخاب عقلانی، تعویق زمان ازدواج، مناسبات جدید ارتباطات جنسی میان دو جنس، بازاندیشی خانواده در پذیرش مناسبات جنسی، همسرگزینی فردمدار و خانواده‌داور، تقلیل مناسک سنتی، روی آوردن به اشکال نامتعارف ازدواج (عقد موقت، هم‌بالینی)، قابل اشاره است.

اولین استراتژی، کناره‌گیری از ازدواج است. با تعویق ازدواج، سعی در انتخاب عقلانی آگاهانه، با بصیرت و شناخت کافی دارند؛ اما در طول این مدت مناسبات جدید عاطفی، ارتباطی و جنسی با جنس مخالف را خواهند داشت.

مشارکت‌کنندگان، به‌ویژه پسران، اقتصاد را امری مهم و ضروری برای ازدواج می‌دانند:

«برای تسهیل در ازدواج اول باید اقتصاد رو خوب کنن» (ع پسر ۲۴ ساله، منطقه ۸).

اما برای همه انگیزه مالی در میان نیست:

«وضع مالی بدی هم نداریم؛ اما انگیزه و نیاز پیش نیومده. اون هدف مهم هست» (پسر ۲۷ ساله، منطقه ۲۱).

بلکه همه جوانب را باید دید:

«وقتی می‌خوای ازدواج کنی، باید همه‌چیز رو در نظر بگیری...» (م دختر ۲۳ ساله، منطقه ۱۷).

دورشدن از سنت‌های دست‌وپاگیر از دیگر راهبردهای جوانان است. هر نسل با تفسیر دوباره سنت، آن را با شیوه‌های بازاندیشانه سازمان‌دهی زمانی و مکانی می‌کند. جوانان درصدد بازتولیدی دوباره از نظام سنت‌ها، مخارج عروسی، مهریه‌های نجومی، جهیزیه‌های سنگین، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، بر مراسم ساده، سمبلیک، متعارف و خاطره‌انگیز تأکید دارند. برخی افراد، به‌ویژه پسران، برای گذار از شرایط فعلی، به برخی مناسبات جدید از جمله هم‌باشی و زندگی مشترک بدون ازدواج و برخی به عقد موقت اشاره دارند.

پیامدهای پدیده «فردیت‌یافتگی» در ازدواج

از پیامدهای ناشی از شرایط موجود و راهبردهای مربوط به پدیده «فردیت‌یافتگی» و دگرگونی ارزشی ازدواج می‌توان موارد زیر را نام برد: سخت‌شدن ازدواج، یأس و ناامیدی، تکوین فرهنگ ازدواج دیرهنگام،

کم‌پایداری ازدواج رسمی، افول ارزش‌های فرامادی (تعهد، صداقت، وفاداری، گذشت و سازگاری)، آسان‌گیری جنسی و امکان روابط آزاد میان دو جنس، ایجاد خانواده‌های غیررسمی، از جمله خانواده‌دوستانه، خانواده منفرد و تک‌افتاده.

سختی‌های زندگی، خودخواهی، منفعت‌جویی، افول ارزش‌های اخلاقی و دروغ‌گویی در شروع زندگی، جایگزین بسیاری از ارزش‌های پسندیده همچون صداقت، گذشت، سازگاری، تعهد و وفاداری می‌شود. گیدنز نیز فردی‌شدن و دیدگاه فردگرایانه را از پیامدهای ناخواسته عصر مدرنیته می‌داند. این امر پیامدهای نه‌چندان دل‌خواه را در پی داشته است. جوان بدون ازدواج، به اختیار یا به اجبار، روابط راحت‌تر و مراودات آسان‌تری با جنس مخالف در محیط‌های اجتماعی، شغلی، تحصیلی پیش رو دارد. اگرچه برخی با هدف و نیت ازدواج است، افول برخی ارزش‌های اخلاقی و مهم‌تر از همه بی‌صداقتی، بی‌تعهدی و خیانت در این نوع روابط، عاملی مهم برای ترس از ازدواج است. می‌توان گفت ازدواج‌های منتهی به جدایی، دوستی‌های منجر به دشمنی، یأس، ناامیدی و بی‌اعتمادی، آسان‌شدن روابط میان دو جنس برای دسترسی راحت‌تر و رفع نیازهای جنسی و عاطفی، از پیامدهای شرایط فعلی است.

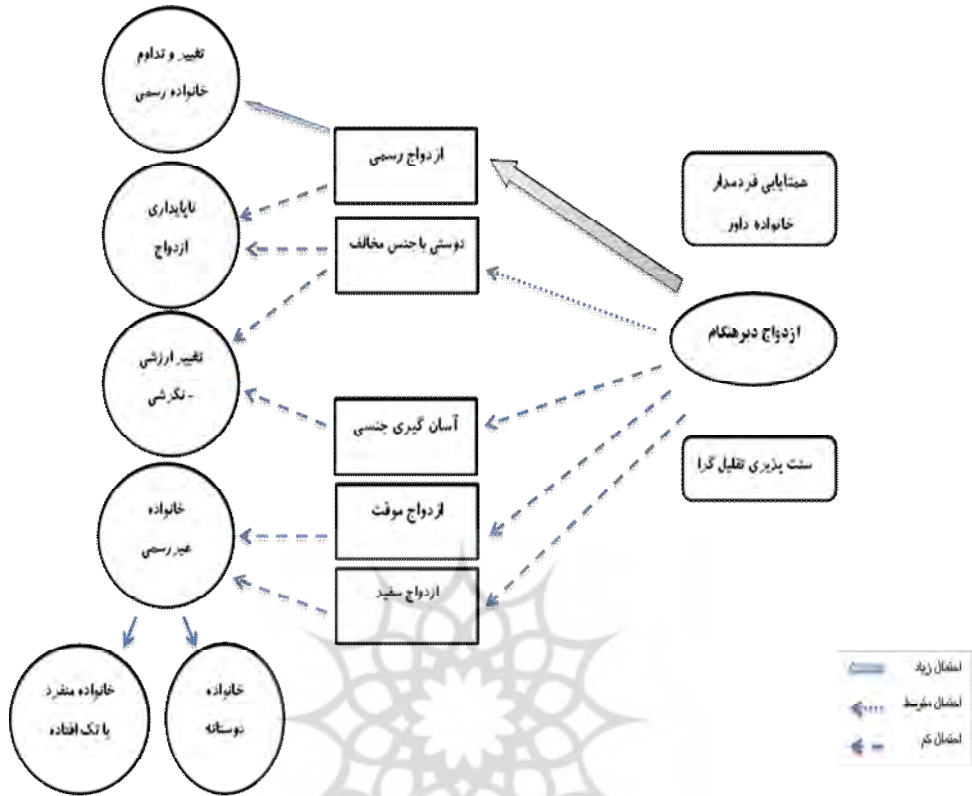
راهبردهای جوانان، دیرنگامی ازدواج، هم‌باشی، عقد موقت در این شرایط است؛ اما ناگفته نماند اکثر افراد هم‌باشی را نمی‌پذیرند و افراد مذهبی عقد موقت را پیشنهاد می‌دهند. دختران نیز آن را امر پسندیده‌ای برای خود نمی‌دانند. اگرچه پسروانی که این موضوع را پیشنهاد می‌دهند، برای خواهران خود نمی‌پسندند.

«فرهنگ ازدواج سفید در ایران جا نیفتاده، ولی می‌تونه راهکار خوبی باشه...» (الف پسر ۲۷ساله، منطقه ۸).

«به‌جای اون برای ازدواج موقت وقت می‌ذارم» (ف پسر ۲۷ساله، منطقه ۱۴).

«برای دختر جالب نیست. مثلاً برای خواهرم نمی‌پسندم» (م پسر ۲۵ساله، منطقه ۲۱).

با گرایش جوانان به روابط خارج از چهارچوب ازدواج دائم، از جمله هم‌باشی یا عقد موقت، خانواده‌های پنهان ایجاد خواهد شد؛ شبه‌خانواده‌هایی که در فضای دوستانه تشکیل می‌شوند. چنین اشکالی از خانواده با هنجارهای جامعه سازگار نیست. آن‌ها را نمی‌پذیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند و با مخالفت و طرد مواجه می‌شوند. بنابراین خانواده‌های تک‌افتاده‌ای هستند که جز افراد اندک و به‌ویژه برخی دوستان، کسی از وجود آن‌ها باخبر نیست. در نهایت، کسالت‌آور می‌شوند و کم‌کم حیات خود را از دست می‌دهند و پس از مدتی کوتاه، رو به اضمحلال می‌روند. در حال حاضر، این شکل از زندگی در میان برخی دانشجویان و افراد دور از خانه وجود دارد؛ اما بسیاری از مشارکت‌کنندگان این نوع زندگی را نمی‌پذیرند و آن را کاملاً منافعی هنجارهای اجتماعی و دینی می‌دانند؛ اما با این حال، می‌توان پیش‌بینی کرد که ممکن است بر تعداد این خانواده‌ها اضافه شود، هنجارهای سنتی را بلغزاند و کم‌کم در جایگاه مورد پذیرش قرار بگیرد.



شکل ۴: تصویری از الگوی ازدواج جوانان

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج از ارکان مهم خانواده است که متناسب با تحولات جامعه دستخوش تغییر می‌شود. این پژوهش فرصتی برای مطالعه و واکاوی ذهنیت و کنش جمعی جوانان به ازدواج می‌باشد که با روش کیفی نظریه بنیانی انجام شده است. مقولات به‌دست‌آمده و مدل پارادایمی منتج از آن، مبین «فردیت‌یافتگی» ازدواج به‌عنوان درون‌مایه اصلی تحقیق است که همچون سپهری نمایانگر تجمیع داده‌هایی است که حکایت از تغییرات نگرشی و ارزشی و دخالت مسائل عدیده در ازدواج دارد. لذا مانع رویکرد تقلیل‌گرایانه به‌سوی اقتصاد یا هریک از عوامل به‌صورت منفرد می‌شود. تعداد ۲۸ نفر افراد مجرد در سن ازدواج، با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تا اشباع نظری، مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. پس از انجام سه مرحله کدگذاری، به سنت روش کیفی که در بخش روش اشاره شد، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که اگرچه الگوی سخت معیشتی، بیکاری یا نداشتن شغل مناسب، درآمد ناکافی، عدم توان مالی خانواده و مشقت در تأمین هزینه‌های ازدواج جوانان، اولین زمینه هراس از ازدواج را ایجاد کرده، اما نمی‌توان سایر عوامل مهم اجتماعی‌فرهنگی را از نظر دور داشت. نتایج برخی تحقیقات پیشین نیز مؤید این موضوع است. می‌توان

حرکت از منافع خانوادگی و جمعی به سمت منافع فردی را ذکر کرد. تغییر در شیوه همسرگزینی و روابط دختر و پسر با تحقیقاتی نظیر مشیدی (۱۳۹۰) همسوست. امروزه تفکرات فردگرایانه در نوع انتخاب، شیوه گزینش، مراسم و مناسک، روابط قبل از ازدواج، مشهود است. تحقیقات پیشین نظیر آزاد ارمکی (۱۳۸۲)، عنایت و موحد (۱۳۸۳)، دهقان (۱۳۹۰) و صبوری (۱۳۹۰) نیز مؤید این موضوع است و تحولات ارزشی، تغییرات نگرشی نسبت به ازدواج و مسائل آن به‌خوبی مشهود است. عوامل زمینه‌ای، همانند جنس و سن، در این موضوع نقش دارند و دختران و پسران هر یک به‌گونه‌ای جداگانه تصمیم‌گیری می‌کنند. پسران ارتباط با دختران را راحت‌تر دانسته و دختران نیز در جست‌وجوی یافتن همسری مناسب به‌سوی تساهل جنسی روی آورده‌اند. اگرچه تمامی افراد این امر را نمی‌پذیرند و آن را از پیامدهای ناخوشایند ارتباط آزاد و روابط قبل از ازدواج دختر و پسر می‌دانند. این موضوع فضای ناامنی را به وجود آورده و باعث افول ارزش‌های فرامادی شده است. برخی زمینه‌های اجتماعی، تحصیلی، اشتغال و ورود به حوزه عمومی، تغییرات نوین در فضای ارتباطی (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱)، گم‌نامی سوزدها و غیبت بدن‌ها، به‌ویژه در فضای مجازی و به‌زعم گیدنز جدایی از زمان و مکان، کنشگر را از ساختارهای سنتی جامعه و منش‌های اجتماعی محیط‌های محلی جدا ساخته و در فرایند بازاندیشی، بر اساس خواسته‌های خود و نه الزامات اجتماعی و بیرونی ملاک انتخاب و عمل قرار داده است. یکی دیگر از عوامل ازدواج‌هراسی، عدم مسئولیت‌پذیری لازم به‌ویژه در پسران است. روان‌شناسان از این موضوع تحت‌عنوان تاب‌آوری یاد می‌کنند. به این معنا که فرد به‌واسطه پذیرش نقش‌های جدید و گذار از زندگی مجردی به تأهل، دچار فشار نقش و استرس ناشی از آن می‌شوند. از آنجا که مهارت لازم را در رهبری و مدیریت شرایط جدید و حل مسئله ندارند، شروعی برای اختلافات زناشویی خواهد شد (رضازاده، صدی دمیرچی، قمری کیوی، ۱۳۹۸). جوانان خانواده را قبول دارند، اما در همسرگزینی ترجیح می‌دهند خانواده فقط داور و مؤید نظرات آنان باشد. در هرم قدرت خانواده (ساروخانی، ۱۳۹۳)، تسلط والدین بر فرزندان کم شده و نشان از تحولات خانواده است. خویشاوندان نیز فقط برای مراسم فرمایشی دعوت می‌شوند. به گفته چیل، همانند کشورهای پیشرفته، خویشاوندان نقش اقتصادی خود را از دست داده و حمایت آن‌ها جنبه عاطفی و احساسی پیدا کرده است (دیوید چیل، برگرفته از لیبی، ۱۳۹۳: ۶۱۳). با افزایش فاصله اجتماعی میان افراد خویشاوند، نفوذ متقابل آن‌ها بر یکدیگر کاهش یافته و نظام خویشاوندی، کنترل سنتی خود را از دست داده است. زنان جایگاه مناسب‌تری به دست آورده، فرزندان بیش از پیش تکریم می‌شوند، بنابراین با گرایش به ازدواج‌های عاشقانه و روابط ناب به‌جای ازدواج‌های تنظیم‌شده، فردیت خود را بروز می‌دهند. اگرچه به‌زعم گرینشهایم عشق امروزی را باید عشق از راه دور و عشق‌های چت‌رومی دانست (بک‌گرینشهایم، ۲۰۱۳). حاکمیت فرهنگ گفت‌وگو و ارتباط دموکراتیک بین فرزندان و والدین باعث افزایش خودمختاری و آزادی فردی، اعتمادبه‌نفس، کنترل شخصی و توانمندی در تصمیم‌گیری شده است (لیبی، به نقل از چیل، ۱۳۹۳: ۶۱۲).

در این پژوهش، راهبردهای انتخابی افراد مورد مطالعه به‌صورت پیوستار و حرکت از سنت به سوی مدرنیته است. بر این اساس، تحول فرهنگی به‌طور کامل اتفاق نیفتاده است؛ در یک سر طیف، جوانانی هستند که در عین نگاه به مدرنیته، همراه با گفتمان سنتی، ازدواج را همانند گذشتگان خود ضرورت اجتماعی دانسته و بر چهارچوب‌های رایج سنتی وفادارند و در سوی دیگر، افرادی هستند که در بازار آزاد

(لش،^{۸۱} ۱۹۷۷)، از دوستی و رابطه‌های ساده، با هدف یا بدون هدف ازدواج و در شکل شدت یافته آن معتقد به روابط نوین زناشویی هم‌باشی و هم‌زیستی بدون ازدواج (کرنان،^{۸۲} ۲۰۰۴) قرار دارند. دسته سوم افرادی هستند که در عین تأکید بر برخی سنت‌ها، به حذف بسیاری از الگوهای رفتاری سنتی دست‌وپاگیر باور دارند. اندیشمندانی همانند بک و گیدنز این وضعیت را حاکی از گسست ریشه‌ای نمی‌دانند، بلکه نشانه نوعی تغییر اجتماعی می‌دانند که در سطوح پیچیده‌تر اتفاق می‌افتد و با سنت‌زدایی و فرایند مدرن‌سازی بازاندیشانه، پیوند می‌خورد. از این دیدگاه، افراد مورد مطالعه با تأکید بر فردیت‌گرایی، کنشگران فعالی هستند که در تعامل با ساختارها و علل و شرایط که در پیش روی آنان برای ازدواج قرار دارد، با تفسیر از موقعیت‌های زمان و مکان، دست به انتخابی بازاندیشانه می‌زنند. به نظر گیدنز، کنشگران در جست‌وجوی حس امنیت، دنیای اجتماعی خویش را عقلانی می‌کنند. فردیت پس از سال‌های متمادی استیلای سنت، قدرت بروز و ظهور یافته و بر نهاد اجتماعی خانواده تأثیر گذارده است. تحقیق ملکی، ربیعی، شکر بیگی و بالاخانی (۱۳۹۴) نیز روند فردی‌شدن خانواده را تأکید می‌کند و با نتایج این تحقیق هم‌راستا است. امروزه عاملیت، نقش‌آفرینی قدرتمند و ضرورت‌گرایی ساختارها را بر نمی‌تابد و در تعاملی دوطرفه و چهره‌به‌چهره راهبردهای متناسب را بازتولید می‌کند.

فردیت‌یافتگی جریان‌ی است که در آن افراد خود را کم‌کم از قیود ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌رهانند و بر اساس خواسته‌های شخصی خود تصمیم‌گیری می‌کنند (بک و بک، ۲۰۰۲). امروزه به‌وضوح می‌توان تجلی فردگرایی را در روابط و مناسبات ازدواج مشاهده نمود؛ اما این بدان معنا نیست که ارزش‌های زندگی خانوادگی از اهمیت افتاده است. جوانان مورد مطالعه طالب ارزش‌های حاکم بر خانواده و اصولی چون الفت و مهربانی و گذشت و صمیمیت و در نهایت اعتماد اجتماعی هستند. چیل نیز بیان می‌دارد در دنیای غرب با وجود دیدگاه فردگرایی به‌عنوان رویکرد غالب در جامعه، برای برخی یک تحول مثبت و برخی دیگر به‌عنوان تحولی منفی و نشانه‌ای از سقوط ارزش‌های خانواده تلقی می‌شود.

با بروز و ظهور فردیت‌یافتگی و دگرگونی و ایجاد مناسبات جدید مختص عصر مدرنیته، پیش‌بینی صورت‌های دیگر خانواده و الگوهای جدید از جمله هم‌زیستی و زندگی‌های مشترک بدون ازدواج (هم‌باشی) را نمی‌توان از نظر دور داشت. اگرچه در این تحقیق برخی این طرز تفکر را کاملاً رد و برخی دیگر در صورت ایجاد شرایط فرهنگی و اجتماعی در آینده‌ای نه چندان دور، یکی از اشکال خانواده‌های نوپدید در جامعه می‌دانند.

از محدودیت‌های تحقیق این است که به‌دلیل استفاده از روش کیفی و تعداد محدود مشارکت‌کنندگان، نتایج آن قدرت تعمیم به ازدواج ایرانی و حتی ازدواج جوانان در شهر تهران را ندارد. در حقیقت، فقط می‌توان به موارد مشابه مشارکت‌کنندگان ربط و بسط داد. از دیگر محدودیت‌های این تحقیق، گسترده‌بودن شهر تهران و قشربندی متنوع و گروه‌های مختلف اجتماعی در میان جوانان است.

پیشنهاد می‌شود در پژوهشی با روش کمی و پیمایش نتایج، این تحقیق در شهر تهران مورد بررسی قرار گیرد تا قدرت روایی و تعمیم‌پذیری آن مورد آزمون قرار گیرد؛

پیشنهاد می‌شود ابعاد روان‌شناختی این موضوع نیز در پژوهشی جداگانه مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد؛ در میان افشار کم‌درآمد، شغل و درآمد گزینه مهمی برای ازدواج است. لازم است برای رفع تنگناهای اقتصادی، در افزایش موقعیت‌های شغلی جوانان، کارآفرینی و سرمایه‌گذاری اقتصادی اقدام جدی به عمل آید؛ لازم است مهارت‌هایی همانند تاب‌آوری و مهارت حل مسئله، مدیریت موانع و قدرت رهبری، احساس مسئولیت، وظیفه‌شناسی، سازگاری، گذشت و فداکاری، تعهد و وفاداری به همسر، صداقت، اعتماد و هم‌دلی به‌عنوان آموزش‌های پیش از ازدواج در نظر گرفته شود و در میان جوانان مورد بازآموزی و فرهنگ‌سازی قرار گیرد؛ ترویج فرهنگ ازدواج ساده و معرفی الگوهای موفق ازدواج ایرانی، از طریق برنامه‌سازی در صدا و سیما و فیلم و سینما می‌تواند مؤثر باشد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|--|
| 1. bostsn | 42. Khalaji Nia, Abbasi & Khaki |
| 2. Saroukhani | 43. Gholami Gharab |
| 3. Polygamy | 44. Zarrabi and Mustafavi |
| 4. Monogamy | 45. Maleki, Rabiee, Shokrbeigi & Balakhani |
| 5. Arrangements Marriage | 46. Moayedi |
| 6. Inter group | 47. Rastani |
| 7. Warne, kid; Liz, steel | 48. Moshayedi |
| 8. Cohabitation | 49. Sadeghi |
| 9. Peter L. Berger | 50. Azad Armaki & etc |
| 10. Beck,U & Elizabeth.J | 51. Enayat & Movahed |
| 11. Beck, U. E. Beck. Gernsheim | 52. Amirazodi |
| 12. Edward Schultz | 53. Ashouri & Varwaei |
| 13. Talcott Parsons | 54. Sabouri |
| 14. Social System | 55. Dehghan |
| 15. Social Structure | 56. Nikparvar & etc |
| 16. Charles Wright Mills | 57. Achak |
| 17. Charles Murray | 58. Mohamadi |
| 18. Social Action | 59. Francis nimcof |
| 19. Michel Foucoult | 60. Chiill,D |
| 20. Antony Giddens | 61. Gernsheim |
| 21. Georg Wilhelm Friedrich Hegel | 62. Amer,Azadi & Heydarzade |
| 22. Karl Heinrich Marx | 63. Cheng, Y. han, X. & John K. d |
| 23. Karl Emil Maximilian "Max" Weber | 64. Pamela J. SmockRhiannon Kroeger |
| 24. Ralf, Dahrendorf | 65. Normi Binti |
| 25. Francis Collins | 66. Henderson-King & Verof |
| 26. Hajian | 67. Christensen |
| 27. Good.w | 68. Joanna García |
| 28. R. Dickson | 69. Emic |
| 29. Robert Sternberg | 70. Mohammadpour |
| 30. Fisher | 71. Mirzaei |
| 31. Zeyghamian, kakabaraei, Nikoo & Rezvani | 72. Azkia & Eemani |
| | 73. Open coding |

- | | |
|--------------------|--|
| 32. Sigmund Freud | 74. Axial coding |
| 33. Erich Fromm | 75. Selective coding |
| 34. Gidenz, Antony | 76. Strauss & Corbin |
| 35. Wusthof | 77. Paradigm Model |
| 36. Weeks | 78. Khaki |
| 37. Legkauskas | 79. Rezazadeh, Sadri Damirchi, Qamari Kiwi |
| 38. Barbara. M | 80. Labibi |
| 39. Kathrin | 81. Lasch. C |
| 40. Thornton | 82. Kiernan, K |
| 41. Janadele | |

منابع

- آچاک، م. ط. (۱۳۹۴). *مطالعه جامعه‌شناختی ازدواج و تحلیل پدیده تأخیر (بالارفتن سن) ازدواج در بین جوانان ایران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- آزادارمکی، ت.، شریفی ساعی، م. ح.، ایناری، م.، طالبی، س. (۱۳۹۰). *سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران*. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۲(۲)، ۱-۳۴.
- آزادارمکی، ت.، غیاثوند، ا. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*. تهران: نشر آن.
- ازکیا، م.، ایمانی جاجرودی، ح. (۱۳۹۰). *روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه بنیانی*. تهران: نشر کیهان.
- اشتراوس، آ.، کوربین، ج. (۱۳۹۴). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. (ترجمه افشار، ا.). تهران: نی.
- امیرعزندی، ف. (۱۳۸۸). *بررسی ابعاد مدل فرایند و محتوای خانواده از چشم‌انداز دوره تحولی خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز.
- بستان، ح. (۱۳۸۹). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بک‌گرینشهایم، ا. (۱۳۸۸). *خانواده در جهان امروز*. (ترجمه افشارنادری، ا.). تهران: نشر پایا.
- بهنام، ج. (۱۳۹۲). *تحولات خانواده، پویایی خانواده در حوزه‌های فرهنگی گوناگون*. (ترجمه پوپنده، م. ح.). تهران: ماهی.
- جنادله، ع.، دغاقله، ع.، رهنما، م. (۱۳۸۸). *پیامدهای فرهنگی اجتماعی افزایش سن ازدواج در ایران*. تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- خلجی‌نیا، ز.، عباسی، م.، خاکی، ا. (۱۳۹۷). *تجربه زیسته ازدواج دانشجویی: مطالعه پدیده‌شناسی*. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۲(۵)، ۷۹-۸۹.
- دهقان، ر. (۱۳۹۰). *مقایسه سبک‌های دلبستگی در دوره‌های مختلف تحول خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- راستانی، گ. (۱۳۹۱). *مقایسه تطبیقی عوامل مؤثر بر تغییرات سن ازدواج بین دو نسل زنان (مطالعه موردی شهر تهران)*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جمعیت‌شناسی. دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- رضازاده، م.، صدری دمیرچی، ا.، قمری کیوی، ح. (۱۳۹۸). *اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش درباره ازدواج، تاب‌آوری و انتظار از ازدواج*. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱(۱)، ۱۰۹-۱۲۴.

- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: نشر کیهان.
- ساروخانی، ب. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- ساروخانی، ب.، صدقاتی‌فرد، م. (۱۳۸۸). شکاف نسلی در خانواده ایرانی، دیدگاه‌ها و بینش‌ها. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ۳(۴)، ۳۱-۷.
- غلامی قاراب، س. (۱۳۹۵). بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر سازمان‌دهی ازدواج جوانان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- صادقی‌فسای، س.، عرفان‌منش، ا. (۱۳۹۵). گفتمان‌ها و خانواده ایرانی: جامعه‌شناسی الگوهای خانواده. پس از مناقشه‌های مدرنیته در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- صبوری، ح. (۱۳۷۵). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ضرابی، و. مصطفوی، س. ف. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی. پژوهش‌های اقتصادی، ۱۱(۴)، ۳۳-۶۴.
- ضیغمیان، س. م.، کاکا برایی، ک.، نیکو، م.، رضوانی، م. (۱۳۹۴). رابطه بین گرایش جنسی، آگاهی جنسی و نگرش مذهبی با رضایت زناشویی و رضایت زندگی زوج‌های روان‌شناس و افراد عادی. رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی، ۳(۲)، ۳۹-۱.
- فروم، ا. (۱۳۹۹). هنر عشق‌ورزیدن. (ترجمه سلطانی، پ.). تهران: مروارید.
- لیبیی، م. م. (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست‌ویکم از نگاه جامعه‌شناسان ایرانی و غربی. تهران: علم.
- لیزاستیل، و. ک. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده. (ترجمه، سیدان، ف.). تهران: دانشگاه الزهرا.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، ع. (۱۳۹۴). ارائه یک مدل مقدماتی از فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی بومی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مشیدی، ش. (۱۳۹۰). تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی، مطالعه موردی شهر اراک. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- مؤیدی، ا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی در بالا رفتن سن ازدواج دختران (منطقه دو تهران). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- میرزایی، خ. (۱۳۹۵). کیفی. پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی. تهران: فوزان.
- ملکی، ا.، ربیعی، ع.، شکر بیگی، ع.، و بالاخانی، ق. (۱۳۹۴). بررسی فردی‌شدن خانواده در ایران، با تأکید بر روند تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۳. مطالعات راهبردی زنان، ۱۸(۶۹)، ۹۶-۴۱.
- نیک‌پرور، ف. (۱۳۹۰). تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۷(۲۳)، ۴۹-۶۱.

Abro, A, A. Aazadi, F. (2017). Changing Patterns of Marriages and Its Impact on Nuptiality the Women, sociological study of Karachi, Pakistan, *Research Journal*, 9(1), 13-24.

Achak, M. T. (2014). Sociological study of marriage and analysis of the phenomenon of delay (increasing age) of marriage among Iranian youth. Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran branch [in Persian].

- Amirazdi, F. (2008). Investigating the dimensions of the family process and content model from the perspective of the family's evolutionary period. Master's thesis, Shiraz University [in Persian].
- Azkiya, M., Imani Jajeroudi, H. (2018). *Applied research methods, application of basic theory*. Tehran: Keihan Publications [in Persian].
- AzadAramaki, T., Ghiathund, A. (2013). *Sociology of cultural changes in Iran*. Tehran: Aan Publications [in Persian].
- Azad Aramaki, T., Sharifi Sa'I, M. H. Isari, M., & Talebi, S. (1390). Genealogy of premarital sex patterns in Iran. *Cultural Research Society*, 2(2), 1-34 [in Persian].
- Beck, U. E. Beck – G. (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and its social and political consequences*. London: Sage.
- Behnam, J. (1392). *Family changes, family dynamics in various cultural fields*. (Translated by M. Jaafar Pouindeh.). Tehran: Nash Mahi [in Persian].
- Bostan Najafi, H. (1389). *Islam and family sociology*. Qom: University and District Research Institute [in Persian].
- Cheng, Y., han, X., & John, K. D. (2011). Marriage Pattern in the City of Shanghai Behavioral Two-Sex Marriage Model and Multistage Marriage Life Table Approach. *Chinese Sociology and Anthropology*, 43(4), 74-82.
- Dehghan, R. (2018). Comparison of attachment styles in different periods of family evolution. Master's thesis, Islamic Azad University, Maroodasht branch. Faculty of Education and Psychology [in Persian].
- Elizabeth Beck, G. (2008). *Family in today's world*. (Translated by A, Afshar.). Tehran: Paya Publications [in Persian].
- Gavin W. J., Terence, H. H. & Maznah, M. (2016). *Changing Marriage Patterns in Southeast Asia. Economic and Socio-cultural Dimensions*, Oxford: Oxford Press.
- Giddens, A. (1994). Living in a post – Traditional society, In *Reflective modernization, polity press*. 13(2), 55-99.
- Gholami Qarab, S. (2015). Investigating socio-cultural factors affecting the organization of youth marriage. Master's thesis. Azad University, Science and Research Unit, Tehran [in Persian].
- Henderson, K. & Verof. (2014). *Sexual satisfaction within marriage: The role of religion*. Bachelor thesis Sociology. University Utrecht.
- Iran Statistics Center report (2015). Selection of the results of the general population and housing census. Retrieval from: <https://amar.org.ir>.
- Junadaleh, A., Deghagala, A., Rahnama, M. (2008). *Cultural and social consequences of increasing the age of marriage in Iran*. Tehran: Science Production Extension Office [in Persian].
- Khaljinia, V., Abbasi, M., Khaki, I. (2017). The lived experience of student marriage: a phenomenological study. *Journal of Qom University of Medical Sciences*, 12(5), 79-89 [in Persian].
- Kiernan, K. (2004). *changing European families*, in the “Blackwell companion to the sociology. London: Sage.
- Lasch, C. (1977). *Haven in a heartless world: The family besieged*, New York: Norton Publication.
- Maleki, A., Rabiei, A., Shakerbegi, A., & Balakhani, Q. (2014). Investigating the individualization of the family in Iran with an emphasis on the process of structural

- and functional changes in the Iranian family from 1335 to 1393. *Women's Strategic Studies*, 18(69), 41-96 [in Persian].
- Mohammadi, A. (2014). Presenting a preliminary model of the formation process of attitude towards marriage: a local qualitative study. Master's thesis, Shahid Chamran University of Ahvaz [in Persian].
- Moayyidi, A. (2012). Investigating the influence of individual, social and cultural factors on increasing the marriage age of girls (Tehran District Two). Master's thesis. Azad University, Science and Research Unit, Tehran [in Persian].
- Moshaydi, Sh. (2010). The evolution of the criteria of choosing a spouse of young people compared to their parents according to class origin, a case study of the city of Arak. Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran branch [in Persian].
- Nik Parvar, F. (2018). Changing marriage criteria in three generations: presenting a preliminary contextual model. *Journal of Family Research*, 23(7), 49-61.
- Normi Binti, A. (2016). Is Cohabitation an Alternative to Marriage? *Social and Behavioral Sciences*, 31(19), 12-18.
- Pamela, J. Smock Rhiannon, K. (2015). Cohabitation: United States. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, Pages 118–121.
- Rastani, G. (1391). Comparative comparison of the factors affecting the changes in marriage age between two generations of women (case study of Tehran). Master's thesis in the field of demography. Azad University, Science and Research Unit, Tehran [in Persian].
- Rezazadeh, M., Sadri Demirchi, I., Qamari Kiwi, H. (2018). The effectiveness of the pre-marriage education program on the attitude about marriage, resilience and expectation from marriage. *Family Counseling and Psychotherapy*, 9(1), 109-124 [in Persian].
- Report of the Statistics Center of Iran (2015). Excerpts from the results of the general population and housing census. Retrieved from: <https://amar.org.ir>
- Sabouri, H. (1375). Examining the structure of power distribution in the family. Master's thesis, Shahid Beheshti University [in Persian].
- Sarukhani, B., Sedaghati Fard, M. (2008). Generation gap in Iranian family, views and insights. *Research paper of social sciences*, 3(4), 7-31 [in Persian].
- Sarukhani, B. (1370). *Introduction to encyclopedia of social sciences*. Tehran: Keihan Institute [in Persian].
- Sarukhani, B. (1393). *An introduction to family sociology*. Tehran: Soroush Publications [in Persian].
- Sadeghi Fasai, S., Irfan Manesh, I. (2015). *Discourses and Iranian family: Sociology of family patterns, after the conflicts of modernity in Iran*. Tehran: Ney Publishing [in Persian].
- Strauss, Anselm, J. C. (2014). *Basics of qualitative research, techniques and stages of producing grounded theory*. (Translated by I, Afshar.). Tehran: Ney Publishing [in Persian].
- Weeks, J. R. (2002). Population: "An introduction to concepts and issues", world worth. Retrieved from: www.science direct.com.
- Zarrabi Vahid, S., Mostafavi, F. (2010). Investigating factors affecting women's marriage age in Iran; An economic approach. *Journal of Economic Research*, 11(4), 33, 64 [in Persian].

Zaighmian, S. M., Kakabrai, K., Niko, M., & Rizwani, M. (2014). The relationship between sexual orientation, sexual awareness and religious attitude with marital satisfaction and life satisfaction of couples of psychologists and ordinary people. new research approaches in human sciences. December 2014 [in Persian].

